



اگر در یک جمله‌ی کوتاه از من بپرسند که شما از جوان چه می‌خواهید؟ خواهم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش. من فکر می‌کنم که جوانان باید این سه خصوصیت را دنبال کنند.

عبدالله  
۱۳۷۷/۰۲/۰۷

افساق

واحدادیان، فرق و قومیدهای مصاف

MASAFINSTITUTE



## نگاهی به زندگانی و فضایل حضرت علی اکبر سلام الله علیه در منابع فریقین

وجود مقدس و مبارک حضرت علی اکبر سلام الله علیه در یازدهم شعبان به دنیا آمد. در سن آن بزرگوار چندین قول نقل شده است. برخی قائلند که ایشان سال ۳۳ هجری و یا طبق نقلی سال ۳۵ و یا سال ۴۱ هجری دیده به جهان گشودند. پدر بزرگوار آن حضرت، مولی الکونین؛ حضرت ابا عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه علیه و مادر گرامی ایشان، لیلی نام داشت. اینکه حضرت علی اکبر سلام الله علیه ازدواج کرده بودند یا خیر، مرحوم محدث قمی می نویسد که از بعضی از روایات برداشت می شود که ایشان صاحب همسر و فرزند بوده اند چنان چه می نویسد:

و باز از بعض روایات آشکار می گردد که علی اکبر را اهل و فرزند بود.

**نفس المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم، ص ۳۳۳.**

آنچه بر این نظریه صحه می گذارد، زیارتنامه ای است که از جانب امام صادق سلام الله علیه در زیارت آن حضرت وارد شده است:

سلام الله و سلام ملائکته المقربین و انبیائه المرسلین و عباده الصالحین ، علیک یا مولای و ابن مولای و رحمۀ الله و برکاته ، صلی الله علیک و علی عترتک و اهل بیتک و آبائک و ابناءک و أمهاتک الاخیار الابرار ، الذین أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا . السلام علیک یا ابن رسول الله و ابن امیر المؤمنین و ابن الحسین ابن علی و رحمۀ الله و برکاته ، لعن الله قاتلک ، و لعن الله من استخف بحقکم و قتلکم ، لعن الله من بقی منهم و من مضی ، نفسی فداؤکم و لمضجعکم ، صلی الله علیکم و سلم تسلیما . ثم ضع خدک علی القبر و قل : صلی الله علیک یا أبا الحسن – ثلاثا.

**القمی، اَبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه \_متوفای ۳۶۷ق\_، کامل الزیارات، ص ۴۱۶ ، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ**

درود خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور من و فرزند سرور من، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بر دودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان برکنار داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیر المؤمنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشنده تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و فدای قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد. سپس صورت بر قبر بگذار و بگو: خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه).

با دقت در این متن، در می یابیم که سلام بر عترت و اهل بیت ایشان می تواند قرینه ای بر اصل ازدواج و فرزندان ایشان باشد. همچنین در این زیارت کنیه آن حضرت را ابا الحسن ذکر کرده است و استفاده می شود که اولاد آن بزرگوار چند عدد بوده چون لفظ «بناء» جمع است.

همچنین روایتی که از امام رضا سلام الله علیه با سند معتبر وارد شده است، تصریح در این دارد که حضرت علی اکبر سلام الله علیه حد اقل با یک کنیزی ازدواج کرده بودند:

علی بن ابراهیم عن ابيه عن احمد بن محمد بن ابی نصر بن زنی عن ابی الحسن الرضا(علیه السلام) قال سئلته عن الرجل، یتزوج المرأة و یتزوج ام ولد ابیها فقال لا باس یدالک فقلت له بلغنا عن ابیک ان علی بن الحسین(علیه السلام) تزوج ابنة حسن بن علی و ام ولد الحسن و ذالک ان رجلا من اصحابنا سألنی ان اسالک عنها، فقال لیس هكذا انما تزوج علی بن الحسین(علیه السلام) ابنة الحسن و ام ولد لعلی بن الحسین المقتول عندکم.

**الحمیری القمی، عبد الله بن جعفر (متوفای ۳۰۴ق)، قرب الاسناد، ص ۳۷۰ ، تحقیق : مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء**

**التراث، ناشر : مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث ، چاپخانه : مهر - قم، چاپ : الأولى، سال چاپ : ۱۴۱۳ هـ .**

**الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۵ ص ۳۶۱ ، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.**



الحاج میرزا آبی الفضل الطهرانی، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور (فارسی) ج ۲ ص ۳۴۵، تحقیق و باورقی: السيد علی الموحّد الأبطحی، چاپ سوم، سال چاپ: ۱۴۰۹ چاپخانه: سید الشهداء (ع) - قم - ایران.

فاضل مازندرانی رحمه الله نیز در شرح زیارت عاشورا می‌نویسد:

شرح «وَعَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ» [قوله (عليه السلام) (وَعَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ) لَا رَيْبَ أَنَّ الْمُرَادَ بِهِ (عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ)، لَا الْإِمَامَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ لِأَنَّ هَذِهِ الزِّيَارَةَ لخصوصِ الشُّهَدَاءِ.

- الفاضل المازندرانی - ص ۱۴۸، شرح زیارة عاشوراء، تحقیق: السيد حسن الموسوی الدرّازی، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۳۰ - ۲۰۰۹ م، چاپخانه: وفا، ناشر: دار الصدیقه الشهیده علیها السلام.

شکی نیست که مراد از (علی بن علی بن الحسین)، علی اکبر شهید می‌باشد نه امام سجاد علیه السلام؛ زیرا این زیارت در خصوص شهدای کربلا می‌باشد.

در زیارت عاشورای غیر معروفه نیز اینگونه سلام آمده:

السلام علی الحسین بن علی الشهید، السلام علی علی بن الحسین الشهید.

واژه شهید بعد از نام حضرت علی بن الحسین سلام الله علیهما آمده که با توجه به اینکه زیارت عاشورا مربوط به شهدای کربلا است، این احتمال تقویت می‌یابد که مقصود حضرت علی اکبر علیه السلام است.

### حضرت علی اکبر سلام الله علیه، مصداق آیه تطهیر

یکی از مطالبی که در تراث ادعیه شیعی وارد شده است، آن است که وجود مقدس حضرت علی اکبر صلوات الله علیه مصداق آیه تطهیر می‌باشد.

با جستجو و دقت نظر در زیارت نامه‌های مأثوری که پیرامون آن حضرت وارد شده است، به این مساله به روشنی اشاره شده است.

مرحوم ابن قولویه رضوان الله تعالی علیه از قول امام صادق صلوات الله علیه در باب زیارت حضرت علی اکبر سلام الله علیه چنین می‌نویسد:

سلام الله وسلام ملائکته المقربین وأنبیائه المرسلین وعباده الصالحین، علیک یا مولای واین مولای ورحمة الله وبرکاته، صلی الله علیک وعلی عترتک وأهل بیتک وآبائک وانبائک وأمهاک الاخیر الابرار، الذین أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا. السلام علیک یا ابن رسول الله وابن امیر المؤمنین وابن الحسین ابن علی ورحمة الله وبرکاته، لعن الله قاتلک، ولعن الله من استخف بحکمک وقتلکم، لعن الله من بقی منهم ومن مضی، نفسی فداؤکم ولمضجعکم، صلی الله علیکم وسلم تسلیما. ثم ضع خدک علی القبر وقل: صلی الله علیک یا أبا الحسن - ثلاثا.

القمی، آبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه \_متوفای ۳۶۷ق\_، کامل الزیارات، ص ۴۱۶، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

درد خدا و فرشتگان مقرب و انبیاء فرستاده و بندگان صالح بر تو ای سرور من و فرزند سرور من، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، رحمت فرستد خدا بر تو و بر دودمان و خاندان و پدران و فرزندان و مادران نیک و خوب تو، آنان که خداوند رجس و آلودگی را از ایشان برکنار داشت و پاکشان نمود پاک نمودنی، درود بر تو ای فرزند رسول خدا و فرزند امیر المؤمنین و فرزند حسین بن علی، و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، خدا لعنت کند کشنده تو را، و خدا لعنت کند کسی که حق شما و کشتن شما را سبک شمرد، خدا لعنت کند باقی مانده و گذشتگان ایشان را، جانم فدای شما و فدای قبر شما باد، رحمت خدا و درود فراوانش بر شما باد. سپس صورت بر قبر بگذار و بگو: خدا تو را رحمت کند ای ابا الحسن (سه مرتبه).

شهید اول رضوان الله تعالی علیه نیز چنین می‌نویسد:

ثم امض إلى ضریح علی بن الحسین علیهما السلام وقف علیه وقل السلام علیک ایها الصدیق الطیب الزکی الحبیب المقرب وابن ریحانة رسول الله السلام علیک من شهید محتسب ورحمة الله وبرکاته ما أکرم مقامک وأشرف منقلبک اشهد لقد شکر

الله سعیك واجزل ثوابك وألحقك بالذروة العالیة حیث الشرف كل الشرف وفى الغرف ( السامیة ) خ كما من علیك من قبل وجعلك من أهل البيت الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا صلوات الله علیك ورحمة الله ورضوانه فاشفع ایها السید الطاهر إلى ربك فى حط الأثقال عن ظهري وتخفيفها عنى وارحم ذلی وخضوعی لك وللسید أیبك صلى الله علیكما. شهید اول، محمد بن مکی، المزار فى کیفیة زیارات النبى و الأئمة علیهم السلام، (لشهیة الأول)، ص ۱۴۶، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

سپس به نزد ضریح علی بن الحسین علیهما السلام برو، بایست و بگو: سلام بر تو ای صدیق پاک و پاکیزه، محبوب و مقرب، و فرزند گل معطر رسول خدا، سلام بر تو از آن رو که شهیدی و عامل در راه خدا، و رحمت و برکات خدا بر تو باد، چه گرامی است مقاومت و چه باشرافت است بازگشتگاهت، گواهی میدهم که خدا از کوششت قدردانی نمود، و پاداشت را شایان ساخت، و به مرتبه‌ای بس بلند ملحققت نمود، جایی که شرف است، همه شرف، و در غرفه‌های بلند چنان که از پیش بر تو منت نهاد، و تو را از اهل بیته قرار داد، که خدا، پلیدی را از آنها دور ساخت و پاکشان نمود، پاک ساختنی کامل، درود و رحمت و برکات و خشنودی خدا بر تو باد، به سوی پروردگارت، ای آقای پاک شفیع شو، در فرو ریختن گناهان از پرونده‌ام، و سبک شدن آنها از من، رحم کن به خواری و فروتنی‌ام در برابرت، و در برابر سرور پدرت، درود خدا بر شما هر دو باد. و در زیارتی دیگر در شأن آن حضرت، چنین آمده است:

ثم تحول إلى عند رجلی الحسین فقف علی علی بن الحسین ع و قل السلام علیک ایها الصدیق الطیب الطاهر و الزکی الحبیب المقرب و ابن ریحانة رسول الله ص السلام علیک من شهید محتسب و رحمة الله و برکاته ما أکرم مقامک و أشرف منقلبک أشهد لقد شکر الله سعیک و أجزل ثوابک و ألحقک بالذروة العالیة حیث الشرف كل الشرف فى الغرف السامیة فى الجنة فوق الغرف كما من علیک من قبل و جعلک من أهل البيت الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرکم تطهیرا و الله ما ضرک القوم بما نالوا منك و من أیبك الطاهر صلوات الله علیكما و لا ثلما منزلتکما من البيت المقدس و لا وهنتما بما أصابکما فى سبیل الله و لا ملتما إلى العیش فى الدنیا و لا تکرهتما مباشرة المنايا إذ کنتما قد رأیتما منازلکما فى الجنة قبل أن تصیرا إليها فاخترتماها قبل أن تنتقلا إليها فسررتهم و سررتهم فهنیئا لکم یا بنی عبد المطلب التمسک من النبى ص بالسید السابق حمزة بن عبد المطلب و قدمتما علیه و قد ألحقتما بأوثق عروة و أقوى سبب صلى الله علیک ایها الصدیق الشهید المکرم و السید المقدم الذی عاش سعیدا و مات شهیدا و ذهب فقیدا فلم تتمتع من الدنیا إلا بالعمل الصالح و لم تتشاغل إلا بالمتجر الرابع أشهد أنك من الفرحین بما آتاهم الله من فضله و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم ألا خوف علیهم و لا هم یحزنون و تلك منزلة کل شهید فكیف منزلة الحبیب إلى الله القریب إلى رسول الله ص زادک الله من فضله فى کل لفظة و لحظة و سکون و حركة مزیدا یغبط و یسعد أهل علین به یا کریم النفس یا کریم الأب یا کریم الجد إلى أن یتناهی رفعکم الله من أن یقال رحمکم الله و افتقر إلى ذلک غیرکم من کل من خلق الله ... فاشفع لی ایها السید الطاهر الی ربک فى حط الأثقال عن ظهري و تخفيفها عنى و ارحم ذلی و خضوعی لك وللسید ایبک صلى الله علیكما.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ج ۹۸؛ ص ۲۴۲ دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

شهید اول، محمد بن مکی، المزار فى کیفیة زیارات النبى و الأئمة علیهم السلام، (لشهیة الأول)، ص ۱۴۷، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

سلام بر تو ای راستگوی مطهر و پاک محبوب، مقرب خدا و فرزانه ریحانه رسول خداصلی الله علیه وآله. سلام بر تو ای شهید با اخلاص، رحمت و برکات الهی شامل حالت باد، چه مقام ارجمندی داری و به چه منزلت والایی نائل شدی، گواهی می‌دهم که خداوند سعی تو را سپاس نهاد، ثوابی جزیل به تو ارزانی داشت، تو را به شأنی متعالی و مقامی سراسر فضل و شرف رساند و در بهترین و بالاترین غرفه‌های جنت مکانت داد. همانگونه که قبلاً بر تو منت نهاد و تو را از خاندان رسالت

قرار داد که خداوند هر گونه پلیدی را از آنان دور نموده است و پاک و مطهرشان ساخته است. ... خداوند در هر سخن و سکون و نگاهت از فضل خود عنایتی وافر به تو بدهد که ساکنان حرم قدس بر آن غبطه خورند و ساکنان بارگاه ملکوتی در پرتو آن به سعادت رسند.

ای کسی که پدر و جد او کریم و بزرگوار بوده است...

... ای سید نیکو سرشت نزد خدایت مرا شفاعت کن که این بار سنگین اعمال تباه را از پشتم بردارد تا سبک شوم، به ناتوانیم رحم کن و به عجزم در برابر تو و پدرت - که درود خداوند بر شما باد - توجهی کن.

### معاویه و اعتراف بر شایستگی حضرت علی اکبر سلام الله علیه برای خلافت

معاویه که از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، در خصوص لیاقت و شایستگی حضرت علی اکبر علیه السلام برای خلافت و حکومت چنین اعتراف می‌کند:

وإياه عنى معاوية فى الخبر الذى حدثنى به محمد بن محمد بن سليمان، قال: حدثنا يوسف بن موسى القطان، قال: حدثنا جرير، عن مغيرة، قال: قال معاوية: من أحق الناس بهذا الأمر؟ قالوا: أنت، قال: لا، أولى الناس بهذا الأمر على بن الحسين بن على، جده رسول الله صلى الله عليه وسلم، وفيه شجاعه بنى هاشم، وسخاء بنى أمية، وزهو ثقيف.

الاصفهانى، أبو الفرج على بن الحسين (متوفى ۳۵۶هـ)، مقاتل الطالبين، ج ۱ ص ۲۲ طبق نرم افزار الجامع الكبير.

ابوالفرج اصفهانی با سند معتبر از مغیره نقل می‌کند:

روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته ترین فرد امت به امر خلافت کیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو کسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی‌شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست. شایسته ترین فرد برای امر حکومت علی اکبر فرزند حسین بن علی [علیهم السلام] است که جدش رسول خدا صلی الله علیه [وآله] وسلم است و شجاعت بنی هاشم سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.

### بررسی سند روایت

#### محمد بن سلیمان

وی محمد بن محمد بن سلیمان باغدی است همچنانکه ابوالفرج در جای دیگر از کتاب خود روایتی را چنین از او نقل می‌کند: محمد بن محمد بن سلیمان الباغندی. قال: سمعت

مقاتل الطالبين، ج ۱ ص ۱۰۱

هر چند برخی او را به تدلیس متهم کرده‌اند اما بزرگان اهل سنت او را ثقه دانسته و روایت و را قبول می‌کنند. ذهبی درباره او می‌نویسد:

محمد بن محمد بن سلیمان بن الحارث الإمام الحافظ الكبير محدث العراق أبو بكر ابن المحدث أبي بكر الأزدي الواسطي الباغندی أحد أئمة هذا الشأن ببغداد.

محمد بن محمد امام و حافظ کبیر و محدث عراق بود وی یکی از بزرگان علم حدیث در بغداد است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ۷۴۸هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ۱۴ ص ۳۸۳ تحقيق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسى ، ناشر : مؤسسه الرساله - بيروت ، الطبعة : التاسعة ، ۱۴۱۳هـ .

ابن حجر می‌نویسد:

محمد بن محمد بن سلیمان الباغندی الحافظ البغدادي أبو بكر مشهور بالتدليس مع الصدق والأمانة.

محمد بن محمد در عین حال که مشهور به تدلیس بود، راستگو و امانتدار بود.

العسقلاني الشافعي ، أحمد بن على بن حجر أبو الفضل ، طبقات المدلسين، ج ۱ ص ۴۴، دار النشر : مكتبة المنار - عمان - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. عاصم بن عبدالله القريوتي.

خطیب بغدادی همچنین می‌نویسد:

وذكر عنده أبو بكر محمد بن محمد بن سليمان بن الحارث الباغندي فقال ثقة كثير الحديث.... ورأيت كافة شيوخنا يحتجون بحديثه ويخرجونه في الصحيح.

نزد ابن ابی خثیمه از ابوبکر باغندی یاد شد او گفت محمد بن محمد بن محمد ثقه و دارای روایات فراوان است.. من دیدم همه بزرگان ما به روایت او احتجاج کرده و در صحیح می‌آورند.

البغدادی، ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الخطیب (متوفای ۴۶۳هـ)، تاریخ بغداد، ج ۳ ص ۲۱۳ ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت.

ذهبی نیز از مظفر نقل می‌کند او ثقه است:

فذاكرني بن المظفر فقال الباغندي ثقة امام لا ينكر منه الا التدليس والأئمة دلسوا.

باغندی مورد اعتماد و امام است از او منکری دیده نشده مگر تدلیس که علمای بزرگ نیز تدلیس می‌کردند

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، لسان المیزان، ج ۵ ص ۳۶۱، تحقیق: دائرة المعارف النظامیه - الهند، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۶هـ - ۱۹۸۶م.

البته حاکم نیشابوری روایات او را صحیح می‌داند:

حدثنا أبو علي الحسين بن علي الحافظ حدثنا محمد بن محمد بن سليمان حدثنا عبد الوهاب بن نجدة الحوطي.... هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه.

الحاكم النيسابوري، أبو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲ ص ۸۸ تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م.

### یوسف بن موسی

وی از روات بخاری و ثقه می‌باشد ابن حجر درباره او می‌نویسد:

یوسف بن موسی بن راشد القطان أبو یعقوب الکوفی نزیل الری ثم بغداد صدوق.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، تقریب التهذیب، ج ۱ ص ۶۱۲ تحقیق: محمد عوامه، ناشر: دار الرشید - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶.

ابو یعقوب یوسف بن موسی بن راشد قطان اهل کوفه بود وی مدتی در ری و بعد از آن در بغداد زندگی می‌کرد، او فردی راستگو است.

ابی حاتم نیز او را صادق دانسته است:

عبد الرحمن قال سألت أبي عنه فقال هو صدوق.

از پدرم درباره یوسف پرسیدم گفت او راستگو است.

ابن أبي حاتم الرازي التميمي، ابو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم محمد بن إدريس (متوفای ۳۲۷هـ)، الجرح والتعديل، الجرح والتعديل ج ۹ ص ۲۳۱ ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۲۷۱هـ - ۱۹۵۲م.

خطیب بغدادی نیز می‌نویسد:

وقد وصف غير واحد من الأئمة يوسف بن موسى بالثقة واحتج به البخاري في صحيحه.

عده زیادی از بزرگان یوسف را توثیق کرده و بخاری در صحیح خود به روایت او احتجاج کرده است.

البغدادی، ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الخطیب (متوفای ۴۶۳هـ)، تاریخ بغداد، ج ۱۴ ص ۳۰۴ ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت.

ابن حبان نیز او را در الثقات آورده است.

التميمي البستي، ابو حاتم محمد بن حبان بن أحمد (متوفای ۳۵۴هـ)، الثقات، ج ۹ ص ۲۸۲ تحقیق السید شرف الدین أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۵هـ - ۱۹۷۵م.

**جریر**

نام وی جریر بن عبد الحمید می باشد که از روایات صحیح بخاری و مسلم و فردی مورد وثوق است  
عجلی درباره او می نویسد:

جریر بن عبد الحمید الضبی کوفی ثقة.

أبی الحسن العجلی، أبی الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفای ۲۶۱هـ)، معرفه الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبتهم وأخبارهم، ج ۱ ص ۲۶۷ تحقیق: عبد العظیم عبد العظیم البستوی، ناشر: مکتبه الدار - المدینه المنوره - السعودیه، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵م.

ابن حجر نیز از ابو احمد حاکم چنین نقل می کند:

وقال أبو أحمد الحاكم هو عندهم ثقة.

حاکم گوید جریر نزد بزرگانی ثقة است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲هـ)، تهذیب التهذیب، ج ۲ ص ۶۵، ناشر: دار الفکر - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴م.

ذهبی نیز نقل کرده است:

قال ابن سعد كان ثقة كثير العلم.

ابن سعد گوید او ثقة و دارای علم فراوان بود.

الذهبی الشافعی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج ۹ ص ۱۱، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسه الرساله - بیروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳هـ.

**مغیره بن مقسم**

وی نیز از روایات صحیح بخاری و مسلم است که علمای علم رجال اهل سنت او را فردی مورد اطمینان می دانند.  
ذهبی درباره او می نویسد:

مغیره (ع) مغیره بن مقسم الامام العلامة الثقة أبو هشام الضبی مولا هم.

مغیره امام، علامه و فردی مورد اعتماد است.

الذهبی الشافعی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج ۶ ص ۱۰، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسه الرساله - بیروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳هـ.

عجلی نیز می نویسد:

مغیره بن مقسم الضبی وكان ضریر البصر کوفی ثقة.

أبی الحسن العجلی، أبی الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفای ۲۶۱هـ)، معرفه الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبتهم وأخبارهم، ج ۲ ص ۲۹۳، تحقیق: عبد العظیم عبد العظیم البستوی، ناشر: مکتبه الدار - المدینه المنوره - السعودیه، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵م.

ابن سعد نیز می نویسد:

مغیره بن مقسم الضبی مولی لهم ویکنی أبا هشام وكان مکفوفاً توفی سنه ست وثلاثین ومائه وكان ثقة كثير الحديث.

مغیره ثقة و دارای روایات فراوان است.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع ابوعبدالله البصري (متوفای ۲۳۰هـ)، الطبقات الكبرى، ج ۶ ص ۳۳۷، ناشر: دار صادر - بیروت.  
بنابراین طبق این روایت معتبر، معاویه که دشمن اهل بیت است، اعتراف می کند که تنهاترین فردی که شایستگی خلافت و حکومت بر مردم را دارد، حضرت علی اکبر علیه السلام است.

**طلب انگور توسط حضرت علی اکبر علیه السلام و پاسخ امام حسین سلام الله علیه**



طبری نقل می کند که حضرت علی اکبر علیه السلام، زمانی که فصل انگور نبود، از پدر بزرگوارش درخواست انگور کرد، امام حسین علیه السلام نیز با معجزه از دیوار انگور بیرون آوردند: شهادت الحسین بن علی (علیهما السلام) و قد اشتهی علیه ابنه علی الأكبر عنبا فی غیر أوانه، فضرب یده إلی ساریة المسجد فأخرج له عنبا و موزا فأطعمه، و قال: ما عند الله لأولیائه أكثر.

طبری **املی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحدیثة)**، ص ۱۸۳، بعثت، ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق. علی اکبر علیه السلام از پدر بزرگوارش انگور طلب کرد. ناگاه امام حسین علیه السلام با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور و موز از آن خارج شد. پس فرزند خود را از آن خورانیده و فرمودند: اولیای الهی سهم شان بیش از این است.

### علاقه شدید امام حسین علیه السلام به علی اکبر علیه السلام

در منابع شیعه و سنی آمده است زمانی که امام حسین علیه السلام که از شهادت فرزندش با خبر شد از خیمه بیرون آمده و به کنار بالین جوان خود رفت و همچنان که می گریست و اشک اندوه می ریخت و می فرمود:

قال قتل الله قوما قتلوک یا بنی ما أجرأهم علی الرحمن و و علی انتهاک حرمة الرسول و انهملت عنینا بالدموع ثم قال **علی الدنيا بعدک العفاء.**

مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲؛ ص ۱۰۶، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق. ابن طاووس، علی بن موسی - فهری زنجانی، احمد، اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری؛ النص؛ ص ۱۱۴ جهان - تهران، چاپ: اول، ۱۳۴۸ ش.

امام فرمود: خدا بکشد کشدگان تو را چقدر این مردم بر خدا جری شدند و چگونه پرده احترام رسول خدا را دریدند در حالی که اشک از چشمانش جاری بود، فرمود: پس از شهادت تو خاک بر سر دنیا. در منابع اهل تسنن نیز به این سخن حضرت اشاره شده است.

رک: البداية والنهاية ج ۸، ص ۱۸۵، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت؛ تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۳۱، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت؛ المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم، ج ۵، ص ۳۴۰ ناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة الأولى؛ لکامل فی التاریخ ج ۳، ص ۴۲۹، تحقیق عبد الله القاضي، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵ هـ و ... .

امام حسین علیه السلام با این سخن شدت علاقه و اشتیاق خود به فرزندش را ابراز می کند یعنی شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام و رفتن او از این دنیا آنقدر برای امام سخت است که امام زندگی در این دنیا بدون علی اکبر علیه السلام را بی ارزش و بی مقدار می داند و نکته دوم این است که حرمت و احترام حضرت علی اکبر علیه السلام حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله است و باحرمت شکنی به علی اکبر علیه السلام حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله شکسته شد.

### شباهت حضرت علی اکبر علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله

یکی از ویژگی های حضرت علی اکبر سلام الله علیه، شباهت ایشان به رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد چنان چه در هنگام میدان رفتن ایشان، وجود نازنین سیدالشهداء سلام الله علیه فرمودند: اللهم أشهد فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقا وخلقاً ومنطقاً برسولك صلی الله علیه و آله وسلم وكنا إذا اشتقنا إلی نبيك نظرنا إلیه.

اللهوف فی قتلی الطفوف - السید ابن طاووس - ص ۶۷

خدایا گواه باش، جوانی که در صورت و سیرت، ظاهر و باطن و گفتار شبیه ترین مردم به رسولت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، و هر گاه مشتاق دیدار پیامبرت می شدیم به این جوان نگاه می کردیم، برای جنگیدن با این مردم رهسپار شد. ابن اعثم کوفی نیز مشابه همین متن را نقل می کند:

ابن اعثم، أحمد بن أحمد بن أعثم الكوفي (وفات: ۳۱۴)، الفتوح ج ۵ ص ۱۱۴، تحقیق: علی شیری (ماجستر فی التاریخ الإسلامی)، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.

با دقت در این کلام حضرت، در میابیم که حضرت علی اکبر سلام الله علیه در سه ویژگی شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده اند:

۱. خَلَقَ

۲. خُلِقَ

۳. مَنْطِقَ

حال به نحو مجمل به این سه ویژگی می پردازیم.

### ۱. خَلَقَ:

شکی نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حیث جمال و زیبایی، بهترین فرد جامعه بوده است و زیبا ترین حسن جمال از آن ایشان بوده است.

مرحوم طبرسی رضوان الله تعالی علیه در معرفی رسول خدا از قول هند بن ابی هاله چنین می نویسد:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ فَخْمًا مَفْحَمًا يَتَلَأَلًا وَجْهَهُ تَلَأُلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ أَطْوَلَ مِنَ الْمَرْبُوعِ وَأَقْصَرَ مِنَ الْمَشْدَبِ عَظِيمِ الْهَامَةِ رَجُلَ الشَّعْرِ إِذَا انْفَرَقَتْ عَقِيْقَتُهُ فَرَّقَ وَإِلَّا فَلَا يُجَاوِزُ شَعْرَهُ شَحْمَةً أَدْنِيَهُ إِذَا هُوَ وَقَرَهُ أَزْهَرَ اللَّوْنَ وَأَسَعَ الْجَبِينَ أَزَجَّ الْحَاجِبِينَ سَوَابِغَ فِي غَيْرِ قَرْنٍ بَيْنَهُمَا عِرْقٌ يَدْرُهُ الْغَضْبُ أَقْنَى الْعَرْنِينَ لَهُ نُورٌ يَلُوهُ يَحْسِبُهُ مَنْ لَمْ يَتَمَلَّهُ أَشْمَ كَثَّ اللَّحْيَةِ سَهْلَ الْخَدَّيْنِ ضَلِيعَ الْفَمِ أَشْنَبَ مَفْلَجَ الْأَسْنَانِ.

الشیخ الطبرسی، (متوفای ۵۴۸ هـ) مکارم الأخلاق، ص ۱۲، منشورات الشریف الرضی، الطبعة: السادسة، ۱۳۹۲ - ۱۹۷۲ م.

پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار بزرگوار و با شخصیت بود، چهره اش چون ماه شب چهاردهم می درخشید، قامتی معتدل و سری بزرگ و موپهایی نه چندان مجعد داشت که گاه در پشت سر جمع می نمود، و گاه فرو می هشت که از نرمه گوش تجاوز نمی کرد. رنگ رخسارش روشن و شاداب و پیشانی اش گشاده و بلند بود، ابروانی کمانی و ظریف و پیوسته داشت، در بین دو ابروی او رگی بود که بهنگام غضب برانگیخته می شد، بینی اش کمی محدب و برگشته بود و درخششی خاص داشت که در نگاه اول بلند و بر آمده بنظر می رسید، ریشی انبوه داشت و گونه ای صاف، چشمانش سیاه و دهانش فراخ بود، دندانهایش سپید و زیبا و از هم گشاده بود.

ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری از قول ابوهریره پیرامون زیبایی رسول خدا صلی الله علیه و آله می نویسد: ولأحمد وبن سعد وبن حبان عن أبي هريرة ما رأيت شيئاً أحسن من رسول الله صلى الله عليه وسلم كأن الشمس تجري في جبهته.

ابوهریره می گوید: کسی بهتر و زیباتر از رسول الله صلی الله علیه و آله ندیدم گویا خورشید در صورت مبارکش نمایان بود. عن أبي إسحاق السبيعي عن امرأة من همدان قالت حججت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فقلت لها شبيهة قالت كالقمر ليلة البدر لم أر قبله ولا بعده مثله وفي حديث الربيع بنت مسعود لو رأيته لرأيت الشمس طالعة أخرجها الطبراني والدارمي. ابواسحاق می گوید: از زنی که در حج حضرت را دیده بود خواستم چهره حضرت را برای من توصیف کن، آن زن گفت: چهره پیامبر صلی الله علیه و آله همانند ماه شب چهارده بود و کسی را همانند او قبل و بعد از آن ندیده ام و در روایت ربیع دختر مسعود آمده است: کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را ببیند گویا خورشید درخشان را دیده است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری ج ۶، ص ۵۷۳، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

و ابن کثیر در باب مقایسه زیبایی حضرت یوسف و زیبایی حضرت نبی مکرم صلی الله علیه و آله می نویسد: وذكر في مقابلة حسن يوسف عليه السلام ما ذكر من جمال رسول الله ومهابته وحلاوته شكلا ونفعا وهديا ودلا ویمنا كما تقدم في شمائله من الأحاديث الدالة على ذلك كما قالت الربيع بنت مسعود لو رأيته لرأيت الشمس طالعة.

در باب مقایسه با زبائی حضرت یوسف علیه السلام، روایاتی پیرامون جمال و زیبایی پیامبر صلی الله علیه وآله و هیبت و زیبارویی و نفع و هدایت و برکت حضرتش، ذکر شد همانگونه که در اوصاف ظاهری حضرت روایاتی که دلالت بر این زیبایی می‌کند، بیان شد مانند روایت ربیع دختر مسعود که در آن آمده است: کسی که پیامبر صلی الله علیه وآله را ببیند گویا خورشید درخشان را دیده است.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴هـ)، البداية والنهاية ج ۶، ص ۲۷۳، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

## ۲. خلق:

خداوند متعال در قرآن کریم، رسول مهر و رحمت را چنین معرفی می‌کند:

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.

سوره قلم آیه ۴

و به راستی تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه چنین می‌نویسند:

و الآیة و إن كانت فی نفسها تمدح حسن خلقه (ص) و تعظمه غیر أنها بالنظر إلى خصوص السياق ناظرة إلى أخلاقه الجميلة الاجتماعية المتعلقة بالمعاشرة كالثبات على الحق و الصبر على أذى الناس و جفاء أجلافهم و العفو و الإغماض و سعة البذل و الرفق و المداراة و التواضع و غیر ذلك.

طباطبایی، سید محمد حسین (متوفای ۱۴۱۲هـ)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹ ص ۳۶۹، ناشر: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۷هـ.

و این آیه شریفه هر چند فی نفسها و به خودی خود حسن خلق رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌ستاید، و آن را بزرگ می‌شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی نظر دارد، اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاریهای اراذل و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال اینها.

برخی از علمای اهل سنت در ذیل این آیه چنین نوشته اند:

لأنه لا أحد احسن خلقا منه.

این توصیف به خاطر این است که هیچ کسی اخلاق و رفتارش بهتر از اخلاق پیامبر صلی الله علیه وآله نیست.

أبو بكر محمد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب الكلاباذي البخاري الوفاة: ۳۸۴ هـ، بحر الفوائد المشهور بمعاني الأخبار ج ۱، ص ۳۴۱، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد حسن محمد حسن إسماعيل - أحمد فريد المزيدي.

این نکته نیز باید مد نظر قرار گیرد که رسول مکرم اسلام، تربیت یافته مدرسه الهی بوده و برخی از روایت به این موضوع اشاره دارند چنان چه در روایتی از امام صادق سلام الله علیه چنین آمده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ أَدَبُهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ - إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي، ج ۱ ص ۲۶۶، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

خداوند عزوجل پیامبرش را تربیتی نیکو کرد، چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: و به راستی تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

فلذا از همین باب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق.

الطبرسی، ابي علي الفضل بن الحسن (متوفای ۵۴۸هـ)، تفسیر مجمع البیان، ج ۱ ص ۵۰۰، تحقیق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م.  
من برای تکمیل ارزش های اخلاقی مبعوث شدم.

مقام و جسم و روح پیامبر آن قدر با ارزش است که خداوند به جان گرامی ایشان قسم می خورد:  
لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ.

سوره حجر آیه ۷۲

به جان تو سوگند که آنان در مستی خود سرگردان بودند.

وجود پیامبر در میان مردم، باعث برداشته شدن عذاب از آنان می گردد:  
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ.

سوره انفال آیه ۳۳

ولی تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند و تا آنان طلب آمرزش می کنند خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.

### ۳. منطق:

منش اجتماعی و برخورد با دیگران از جمله آموزه های بسیار مهم دین مبین اسلام تلقی شده و رهبران دینی که در رأس آنها رسول مکرم اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار دارند، بهترین الگوی عملی بر این مساله مهمی هستند.

با دقت نظر در منابع موجود تاریخی و روایی، به این امر مهم در زندگی روز مره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین بر می خوریم.

خداوند متعال در قرآن کریم پیرامون منطق (سخن گفتن) نبوی چنین می نویسد:

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

النجم: ۳-۴

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید.

مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه در ذیل این آیه چنین می نویسد:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» المراد بالهوى هوى النفس و رأيها، و النطق و إن كان مطلقا ورد عليه النفى و كان مقتضاه نفى الهوى عن مطلق نطقه (ص).

طباطبایی، سید محمد حسین (متوفای ۱۴۱۲هـ)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹ ص ۲۷، ناشر: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسة، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۷هـ.

منظور از کلمه "هوی" هوای نفس و رأی و خواسته آن است، و جمله "ما ینطق" هر چند مطلق است، و در آن نطق به طور مطلق نفی شده، و مقتضای این اطلاق آن است که هوای نفس از مطلق سخنان پیغمبر نفی شده باشد.

از آنجائی که سید الشهداء سلام الله علیه حضرت علی اکبر علیه السلام را از سه منظر، به رسول خدا صلی الله علیه و آله تشبیه کردند، حاکی از مقام والای حضرت علی اکبر سلام الله علیه است که سخن و بیان ایشان نیز مشابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

### اولین شهید هاشمی

بر پایه برخی از مستندات، اولین شهیدی که از بنی هاشم در کربلا به شهادت رسید، وجود مقدس حضرت علی اکبر سلام الله علیه می باشد چنان چه در ادعیه در هنگام سلام بر ایشان می خوانیم:  
السلام علیک یا أول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة إبراهیم الخلیل.

شهید اول، محمد بن مکی، المزار فی کیفیت زيارت النبی و الأئمة عليهم السلام، (لشہید الأول)، ص ۱۴۸، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.

المشہدی الحائری، الشیخ أبو عبد الله محمد بن جعفر بن علی (متوفای ۶۱۰هـ)، المزار، ص ۴۸۷، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة: الأولى، رمضان المبارک ۱۴۱۹هـ.

سلام بر تو ای اول شهید، از نسل بهترین ذریه از فرزندان ابراهیم خلیل علیه السلام.

طبری از علمای اهل تسنن نیز حضرت علی اکبر صلوات الله علیه را اولین شهید خاندان ابوطالب معرفی می کند:  
اول قتیل من بنی ابي طالب یومئذ علی الأكبر بن الحسین بن علی وأمه لیلی ابنة ابي مرة بن عروة بن مسعود الثقفی وذلك أنه أخذ یشد علی الناس وهو یقول

أنا علی بن حسین بن علی  
نحن ورب البيت أولى بالنبی  
تالله لا یحکم فینا ابن الدعی.

الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب (متوفای ۳۱۰)، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۳۰، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت.

اولین شهید در کربلا از نسل حضرت ابوطالب علیه السلام حضرت علی اکبر پدرش حضرت حسین بن علی علیه السلام و مادرش حضرت لیلی دختر ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی است وقتی به میدان رفت اینگونه رجز می خواند:  
من علی فرزند حسین بن علی هستم قسم به خدای کعبه که ما اولی هستیم به پیامبر صلی الله علیه وآله به خدا قسم که پسر زن بدکاره بر ما حکومت نمی خواهد کرد.

مرحوم ابن ادریس نیز پیرامون حضرت علی اکبر سلام الله علیه چنین می نویسد:  
فاذا كانت الزیارة لأبی عبد الله الحسین علیه السلام زار ولده علیا الأكبر، وأمه لیلی بنت ابي مرة بن عروة بن مسعود الثقفی، وهو أول قتیل فی الوقعة، یوم الطف، من آل ابي طالب علیه السلام.

الحلی، ابي جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس (متوفای ۵۹۸هـ) کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۱ ص ۶۵۵، المحقق: لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الثانية ۱۴۱۰هـ.

هنگامی که ابا عبد الله الحسین علیه السلام را زیارت کردی، فرزندش علی اکبر را زیارت کن. مادرش لیلی بنت ابي مرة بن عروة بن مسعود الثقفی می باشد. او اولین کشته ی روز عاشورا از خاندان ابو طالب سلام الله علیه می باشد.

### نفرین امام در حق کوفیان در جریان میدان رفتن حضرت علی اکبر سلام الله علیه

مرحوم سید بن طاووس، قضیه میدان رفتن حضرت علی اکبر سلام الله علیه و ملاقات ایشان با پدر بزرگوارشان را چنین تقریر می کند:

فلما لم یبق معه سوى أهل بيته خرج علی بن الحسین علیه السلام وكان من أصبح الناس وجهها وأحسنهم خلقا فاستأذن أباه فی القتال فأذن له ثم نظر إليه نظرة آیس منه وأرخی علیه السلام عینه وبکی ثم قال: اللهم أشهد فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقا وخلقاً ومنطقاً برسولك صلی الله علیه وآله وسلم وكنا إذا اشتقنا إلى نبيك نظرنا إليه فصاح وقال يا بن سعد قطع الله رحمك كما قطعت رحمی فتقدم نحو القوم فقاتل قتال شديداً وقتل جمعا كثيرا ثم رجع إلى أبيه وقال يا أبت العطش قد قتلتني وثقل الحديد قد أجهدني فهل إلى شربة من الماء سبيل فبکی الحسین علیه السلام وقال وا غوثاه يا بنی قاتل قليلا فما أسرع ما تلقى جدك محمد صلی الله علیه وآله وسلم فیسقيك بكأسه الأوفى شربة لا تظلمأ بعدها أبدا فرجع إلى موقف النزال وقاتل أعظم القتال فرماه منقذ بن مرة العبدی ( ل ج ) بسهم فصرعه فنادی يا أبتاه عليك منی السلام هذا جدی یقرئك السلام ویقول لك عجل القدوم علينا ثم شهق شهقة فمات فجاء الحسین علیه السلام حتى وقف علیه ووضع خده على خده وقال قتل الله قوما قتلوك ما أجرأهم على الله وعلى انتهاك حرمة الرسول على الدنيا بعدك العفا.

السید ابن طاووس، الحسینی، علی بن موسی \_متوفای ۶۴۴ق\_، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۶۷، ناشر: أنوار الهدی - قم - ایران، چاپخانه: مهر، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۷ هـ

یاران امام حسین علیه السلام همه به شهادت رسیدند و جز خاندانش کسی باقی نماند، در این هنگام علی اکبر علیه السلام برای رفتن به میدان آماده شد، او دارای زیباترین چهره، و نیکوترین سیرت بود، از پدرش اجازه رفتن به میدان طلبید، امام علیه السلام به او اجازه داد، سپس نگاهی مأیوسانه به قد و قامت علی اکبر علیه السلام نمود، و چشمانش را به زیر افکند و گریه کرد آنگاه گفت:

خدایا گواه باش، جوانی که در صورت و سیرت، ظاهر و باطن و گفتار شبیه‌ترین مردم به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و هر گاه مشتاق دیدار پیامبرت می‌شدیم به این جوان نگاه می‌کردیم، برای جنگیدن با این مردم رهسپار شد. امام حسین علیه السلام صدا زد: ای پسر سعد، خدا ریشه رحم تو را قطع کند، همان گونه تو رحم مرا قطع می‌کنی. علی اکبر علیه السلام به دشمنان حمله کرد و جنگ سختی با آنها نمود، گروه بسیاری از آنها را به خاک هلاکت افکند، سپس نزد پدر بازگشت و صدا زد: ای پدر! شدت تشنگی جانم را به لب رسانده، و سنگینی اسلحه، مرا به زحمت انداخته، آیا جرعه آبی هست که به دستم رسد؟

امام حسین علیه السلام گریه کرد و فرمود: آه از بی‌پناهی! ای پسر من از کجا آب بیاورم، برو اندکی با دشمنان جنگ کن، چقدر نزدیک است که با جدت محمد صلی الله علیه و آله دیدار کنی، او با کاسه‌ای پر از آب، تو را سیراب خواهد کرد، که پس از آن هرگز تشنگی وجود ندارد.

علی اکبر علیه السلام به میدان بازگشت و جنگ بسیار شدید و نمایانی نمود، سرانجام منقذ بن مره عبدی آن حضرت را هدف تیر قرار داد، همین تیر موجب افتادن علی اکبر علیه السلام بر زمین شد و صدا زد: ای پدر! آخرین سلامم بر تو باد، اینک این جدم است که سلام به تو می‌رساند و به تو می‌فرماید: زودتر به سوی ما بیا. سپس صیحه‌ای بلند زد و جان سپرد. امام حسین علیه السلام به بالین علی اکبر علیه السلام آمد (دید که از دنیا رفته است) به بالین او نشست و خم شد، و گونه خود را بر گونه علی اکبر نهاد. آنگاه فرمود: خدا بکشد آن مردمی که تو را کشتند، چقدر آنها بر خدا و هتک حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، گستاخی نمودند، بعد از تو خاک بر سر دنیا.

### رجز خوانی حضرت علی اکبر سلام الله علیه در میدان جنگ و شجاعت ایشان

شجاعت و فراست حضرت علی اکبر سلام الله علیه امری مسلم و غیر قابل انکار است و رجز خوانی ایشان در میدان جنگ، حاکی از شجاعت ایشان است چنان چه رجز آن حضرت چنین است:

ثم حمل علی بن الحسین علی القوم ، وهو یقول :

أنا علی بن الحسین بن علی من عصبه جد أیهم النبى  
والله لا یحکم فینا ابن الدعی أطعنکم بالرمح حتی ینثنى  
أضربکم بالسيف أحمى عن أبى ضرب غلام هاشمی علوی

المجلسی، محمد باقر \_متوفای ۱۱۱۱ق\_، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۵ ص ۴۳، تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ناشر: مؤسسه الوفاء - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

۱- من علی بن الحسین بن علی میباشم. من از گروهی هستم که جد پدرشان پیامبر اسلام است.

۲- بخدا قسم که پسر زنا زاده در میان ما حکومت نخواهد کرد. من شما را با این نیزه بقدری میزنم که نوک آن بر گردد.

۳- من شما را با شمشیر میزنم و از پدر خویشتن حمایت میکنم. من شما را نظیر جوان هاشمی و علوی میزنم.

زرکلی از بزرگان اهل سنت نیز به شجاعت و بزرگی حضرت علی اکبر علیه السلام چنین اعتراف می‌کند:

علی الأكبر بن الحسین بن علی بن أبی طالب، القرشی الهاشمی: من سادات الطالبیین وشجعانهم. قتل مع أبیه الحسین السبط الشهید، فی وقعه الطفّ (کربلاء) وکان أول من قتل بها من أهل الحسین، ....وذكره معاویة یوما فقال:

فيه شجاعة بنى هاشم، وسخاء بنى أمية، وزهو ثقيف! وسماه المؤرخون عليا الأكبر تمييزا له عن أخيه على الأصغر زين العابدين، الآتية ترجمته.

الزرکلی، خیر الدین (متوفای ۱۴۱۰هـ)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، ج ۴ ص ۲۷۷ لا ناشر: دار العلم للملایین - بیروت، الطبعة: الخامسة، ۱۹۸۰م.

وی از سادات و از شجاعان طالبیون (اولاد حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام) بود که در کنار پدرش [امام] حسین [علیه السلام] در کربلا کشته شد و از اولین فرد از خانواده [امام] حسین علیه السلام بود که شهید شد. معاویه روزی درباره وی گفت: در او شجاعت بنی هاشم سخاوت بنی امیه و جمال بنی ثقیف می باشد که مورخین او را علی اکبر (علیه السلام) نامیده اند بخاطر اینکه فرق او با برادرش علی اصغر زین العابدین (علیه السلام) مشخص شود.

در شجاعت حضرت علی اکبر علیه السلام همین بس که در میدان جنگ، یزیدیان از شجاعت، دلاوری و از کشتار کم نظیر حضرت، به ستوه آمده و ضجه می زدند.

ابن اعثم تاریخ نگار معروف در این خصوص می نویسد:

ثم حمل رضى الله عنه ، فلم يزل يقاتل حتى ضج أهل الشام من يده ومن كثرة من قتل منهم.

ابن اعثم، أحمد بن أعثم الكوفي (وفات: ۳۱۴)، الفتوح ج ۵ ص ۱۱۵، تحقیق: علی شبیری (ماجستر فی تاریخ اسلامی)، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱: دار الأضواء، ناشر: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.

سپس حضرت بر آنها حمله کرد همچنان کارزار می کرد تا اینکه اهل شام از دست او و از کثرت کشته های توسط حضرت علی اکبر [علیه السلام] ضجه می زدند.

### بیان امامت اهل بیت علیهم السلام و بطلان امامت دیگران

پیرامون قسمتی از رجز های حضرت علی اکبر سلام الله علیه، رجزی از ایشان نقل شده است که امامت اهل بیت صلوات الله علیهم اجمعین را بیان و امامت غیر ایشان را باطل بر می شمارد:

علی بن الحسین الأكبر، وکان یرتجز ویقول:

أنا على بن الحسين بن علي  
نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ  
تَاللَّهِ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ  
أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ أَحَامِي عَنْ أَبِي  
ضَرَبَ غُلَامٌ هَاشِمِيٌّ قَرَشِيٌّ.

البغدادی، الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان، العکبری، \_متوفای ۴۱۳ ق\_، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲ ص ۱۰۶، تحقیق: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م.

ابن نما الحلّی، (متوفای ۶۴۵ هـ)، مثير الأحزان، ص ۵۱، دار النشر: المطبعة الحیدریة - النجف الأشرف، ۱۳۶۹ - ۱۹۵۰ م.  
الذهبی الشافعی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج ۳ ص ۳۰۲، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسه الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳ هـ.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعیل بن عمر القرشی \_متوفای ۷۷۴ ق\_، البداية والنهاية، ج ۸ ص ۱۸۵، ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

منم علی فرزند حسین بن علی، به خانه خدا سوگند ما سزاوارتر به پیغمبر هستیم. به خدا سوگند پسر زنا زاده در باره ما حکومت نخواهد کرد، با شمشیر شما را می زنم و از پدر خویش دفاع می کنم. شمشیر می زنم! شمشیر زدن جوانی هاشمی و قرشی.

با دقت در این کلام، علاوه بر اینکه حضرت علی اکبر سلام الله علیه اولویت خاندان رسالت را نسبت به پیامبر بیان می‌کند، خلافت غیر ایشان را نیز باطل می‌دانند.

### مکان دفن حضرت علی اکبر سلام الله علیه

با مراجعه به نصوص دینی، در میابیم که وجود مقدس حضرت علی اکبر سلام الله علیه در زیر پای پدر گرامیشان، حضرت ابا عبدالله الحسین صلوات الله علیه مدفون هستند چنان چه در زیارت نامه امام حسین سلام الله علیه که از وجود نازنین حضرت صادق صلوات الله علیه وارد شده است؛ چنین آمده:

زيارة جدی الحسین بن علی ( علیهما السلام ) ، فإنه غریب بأرض غربه ، بیکیه من زاره ، ویحزن له من لم یزره ، ویحترق له من لم یشهده ، ویرحمه من نظر إلى قبر ابنه عند رمله ، فی ارض فلاة لا حمیم قربه ولا قریب.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه** \_متوفای ۳۶۷ق\_، **کامل الزیارات، ص ۵۳۸ ، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنه التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ .**

زیارت جدم حسین بن علی علیهما السلام، چه آنکه او در سرزمین دور دست غریب می‌باشد هر کس به زیارتش رود بر او می‌گرید و اندوهگین می‌شود و آن کس که بر سر مزارش حاضر نشود می‌سوزد و آن کس که به پائین پای آن حضرت به قبر فرزندش بنگرد و ملاحظه کند که در آن زمین فلات دفن شده است بر آن حضرت ترحم می‌کند، نه خویشی در نزدیکی آن جناب بوده و نه اقربایش آن جا می‌باشند.

فضائل و مناقب آن بزرگوار بیش از آن است که در این سطور گنجانده شود ولی جهت آشنایی شما مخاطبین محترم چند کلامی در باب زندگی‌نامه و شهادت حضرت علی اکبر سلام الله علیه به رشته تحریر در آمد.